

(بخش 5) یاد داشت هایی از یک سفر

**"مذهبی بودن بشر" و چالش های فرا راه بشریت!**

برهما بگوان اول از ثلاث اعظم

شیوا بگوان دوم

ویشنو بگوان سوم

اگر بنا باشد که به جای حکم معروف و معقول؟ «بشر یک حیوان سیاسی است» حکم به تعریف آن چون «یک حیوان مذهبی» نمایم و حتی کم از کم شاخصه «مذهبی بودن بشر» را بر شاخصه «سیاسی بودن» آن مقدم بشماریم؛ چالش های عظیمی فرا راه فلسفه ها و جهان بینی های معاصر؛ عرض اندام مینماید.

بدینجهت بیش از هر پندار مفروض و معین و نامعین دیگر؛ اهمیت و ارجحیت کسب میکند که به واقعیت های عینی موجود پیرامون؛ منتها درجه دقت نمایم و همه را با آخرین سیستم محاسبات ریاضی در پیوند ارگانیک با واقعیت های شناخته شده در تاریخ فرهنگ ها و تمدن ها؛ اندازه گیری و قیمت گذاری نمایم.

از این دیدگاه نمونه هندوستان؛ گنجینه دارای اهمیت جهانشمول و تاریخ شمول میباشد؛ ولی به هیچ وجه نباید تصور کرد که از همین رهگذر؛ هندوستان تافته جدا بافته در جهان است.

در بخش 4 این یاد داشت ها؛ متذکر شدیم که حسب ادعای عامه اهالی هند که پیرو مذاهب متکثر ودایی هستند؛ آنان 33 کرور بگوان دارند که البته همه را معادل خدا و ( ) می پندارند.

آنان آزاد و مایل و راغب اند که تمثال ها و مجسمه های نامحدود از بگوان های خویش پدید آورده تکثیر نمایند و علاوه بر معابد؛ در هر کجا که دلشان خواست آنها را قرار دهند.

آزاد و مایل و راغب بودن هندی ها برای ترسیم و تجسیم و تکثیر بگوان ها و نماد های مقدس شان؛ البته پیام ها و معنا های زیادی دارد؛ ولی برای بحث و فحص کنونی ما امتیاز کمیاب و ثروتی پر ارج به شمار می آید.

هرگاه مردمان سایر ملل و نحل هم چنین آزادی و دست و دل بازی در مورد تجسیم و ترسیم صور خیال مربوط به نماد ها و ذوات و اشیا و پدیده های طرف باور و عقیده خویش میداشتند؛ احتمالاً هند درین عرصه بیحد شگفت انگیز و یا در مقام اول «عجایب» تجسمی و تصویری نبود.

میدانیم که نقاشی های مذهبی به ویژه در مسیحیت هم وجود دارد و کلیسا ها سرشار از تصاویر و قسماً مجسمه هاست؛ ولی آنها چه بسا عالیترین شاهکار ها از نوابغ بشری میباشند.



مریم مقدس و مسیح کودک



«شام آخر» مسیح؛ شهکار لیونارد داوینچی

اما چنین کار ویژه خواص و روشنفکران؛ در هندوستان تقریباً وجود ندارد و هرچه هست توده ای و عامیانه میباشد. لذا اینجا ساده گی و صفا و صداقت رقت انگیز و سرشار از اصالت و حقیقت ناب موج میزند. صداقت و اصالت و حقیقت در بیان صور خیال و احساس و عاطفه مذهبی و نه در چیز دیگر. فلاسفه، روانشناسان، بشر شناسان، جامعه شناسان...، آنانکه به طریق هنرهای گوناگون؛ گذشته، حال و آینده بشر را آماج قرار داده اند و میدهند؛ معلمان اخلاق و شاغلان تعلیم و تربیت... همه و همه بانیست این روند و روال و انگیزه ها و علل و اثرها و مؤثرات دامنه دار آنها را عمیقاً مد نظر گیرند. چیزی که در گذشته ها بیرحمانه مورد اغفال و اهمال بوده و در یک کلمه؛ موجبات معیوبیت و ناتوانی های بنیانی در معارف و فرهنگ های بشری را فراهم آورده است.

**بنده حتی الامکان درین گستره تحقیق و تفحص نموده و محصولات را خدمت عزیزان خواننده کنونی و نسل های پسین تقدیم خواهم کرد؛ ولی باید ما با این نمادها و سمبول های مذهبی کم از کم به اندازه آتی آشنا شویم تا بعد بتوانیم سخنان همدیگر را بفهمیم و به معنا های حقیقی این اساطیر و مماثل ها پی ببریم:**

### در باره بگوان دورگا:

«دورگا یک لغت سنسکریت به معنی "دست نیافتنی" و یک خدای مونث است. هندوان عموماً به دو دلیل یکی وحشت از او و دیگری زیبایی اش او را می پرستند. می گویند نامهای زیادی دارد و بیش از ۱۰۸ اسم برای او می شمارند که شامل اسم خدایان دیگری مانند "کالی" (خدای مرگ) و "پاروتی" (همسر شیوا) هم می شود.

او را مادر "گانشا" و "کارتیه کا" و "جیوتی" می دانند که فرزندان شیوا هستند. دورگا از بین برنده جنیان بد طینت بوده و به همین دلیل محبوبیت یافته است. ظهور او در حماسه های پورانا و آگاما ذکر شده و غالباً با ۱۰ دست دیده شده که در هر دست شمشیر - ضدف - دیسک - تسبیح - زنگ - کاسه شراب - تیر - کمان - نیزه و خنجر نگه داشته است. همچنین بیشتر اوقات سوار بر پشت شیر یا ببر است. همواره لباسهای بسیار اشرافی و سلطنتی به تن دارد و گرانترین جواهرات را می آویزد. به همین ترتیب همین اقلام بر تن میلیونها بت دورگا نیز دیده می شود.

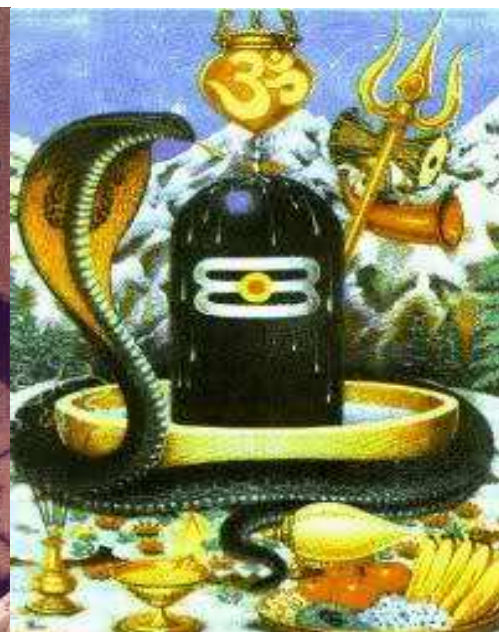
اولین باری که دورگا بر زمین ظاهر شد به دلیل ستمهایی بود که جنی به نام "ماهیشاسور" به مردم می کرد. ماهیشاسور جن آب نشین بوفالویی بود بسیار بزرگ و قدرتمند به طوری که سایر جنیان و خدایان از او وحشت داشتند. حتی ویشنو و شیوا هم توان جنگ با او را نداشتند. اینجا بود که دورگا سوار بر شیری ظاهر شد و به جنگ ماهیشاسور رفت. او را شکست داد و آسمان ها را به خدایان بازگرداند!!» (1)



دورگا زیبا ترین بگوان زنانه با 10 دست



بت لینگا



ناگا و لینگا

با توجه بر ابعاد پهناور این صور و نماد ها و کنش ها و واکنش های بیحد گونه گون که در مقابل صورت میگیرد و رایج میباشد؛ تصمیم گرفتم تا مختصری در معرفی کلیات آئین های هند خدمت خوانندگان پیشکش بداریم . این امر را به جهتی مبرم یافتیم که آنچه به این ارتباط در انترنیت به دست می آید؛ در خیلی موارد با پیشداوری ها و ذهنیگری ها و اغراض توأم میباشد و یا بدون جدیت و رعایت احساس مسئولیت علمی در برابر واقعیتی اینچنین عظیم و سرسخت که تعریف و شناسهء نوع بشر در گرو آن است؛ پردازش و انتشار یافته است . متنی که در زیر می آید تا حدی نقل از تاریخ جامع ادیان بوده و تداوم آن نیز خیلی ها با اسلوب تحقیق علمی سازگار است و رویهمرفته یک معرفی جزیل را درمورد ارائه میدهد (2):

« آیین هندو در قدیم دین بر همایی خوانده می شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می کرد. هندوئیسم شکل تکامل یافته آنیمیسیم است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست . این آیین گونه ای فرهنگ ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

### ۱. مردم هند پیش از هجوم آریاییها

پیش از مهاجرت آریاییها به ایران و هند، مردم این سرزمینها قومی کوتاه قامت و سیاه چرده بودند که فرهنگ و دین و مراسم مخصوص خود را داشتند و تمدن آنان در سطح تمدن بین النهرین بود. این قوم در ایران تقریباً به طور کامل از میان رفتند، ولی در هندوستان به طرف جنوب آن کشور رانده شدند و اکنون به نام قوم دراویدی (Dravidians) شناخته می شوند و گروه بزرگی از اینها به نام نجسها (Untouchables) معروفند که درباره ایشان سخن خواهیم گفت .

حفاریهای باستانشناسان در منطقه ای به نام موهنجودارو (Daro-Mohenjo) در کرانه رود سند (پاکستان)، آثار عظیمی از تمدن آنان را نشان داده است . از این کشفیات بر می آید که برخی از خدایان آیین هندو قبل از ورود آریاییان در هندوستان وجود داشته اند.

### ۲. اصول دین هندو

اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتابهای باستانی و سنتهای دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج ، همچنین احترام به موجودات زنده ، مخصوصاً گاو از اصول آن دین است . لفظ (( ام )) (Om) به معنای آمین برای هندوان بسیار تقدس دارد و از سویی اسم اعظم الهی به شمار می رود و از این نظر به اسم اعظم یهود در دین یهود شباهت دارد.

### ۳. خدایان ودایی

هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسما و صفات عجیب و غریب معتقدند و به آنها کرنش می کنند و برای هر یک بتخانه های با شکوهی می سازند. این خدایان با هم خویشاوندی سببی و نسبی دارند و ویژگیهای جسمی و روحی هر یک به تفصیل و با ذکر جزئیات در کتب مقدس و فرهنگ دینی هندوان آمده است . اعتقاد به جلوه گری خدایان به شکل انسان و حیوان در ادوار مختلف ، نیز بسیار جلب نظر می کند . دسته بندی خدایان در ارتباط با طبقات اجتماعی نیز معهود است . برخی از معروف ترین خدایان هندو عبارتند از:

- اگنی (Agni) یعنی آتش ؛
- وارونا (Varuna) یعنی آسمان ؛
- ایشوار (Ishvara) یعنی قادر متعال ؛
- رودرا (Rudra) یعنی وحشتناک ؛

راما (Rama) یعنی دلپذیر؛

کریشنا (Krishna) یعنی آبی پر رنگ؛

یاما (Yama) یعنی **ارابه** ران (معادل جم در آیین زردشت) که خدای حاکم بر ارواح مردگان است. اشوین (Asvin) یعنی اسب سوار عنوان دو تن از فرشتگان آیین هندو است. هندوان معتقدند که این پزشکان آسمانی برای انسان تندرستی، نیکبختی و دارایی به ارمغان می آورند. پرستندگان بت مؤنث زشت و بد ترکیب کالی (Kali) به معنای سیاه معتقدند هدایای ویژه این بت را باید از طریق راهزنی به دست آورد و تقدیم بتخانه کرد. البته باید توجه داشت که معمولاً بتان را بسیار زیبا می سازند تا آنجا که بت در شعر فارسی کنایه از محبوب زیبا است.

#### ۴. کتابهای مقدس

ادعیه و آیین های هندوان در مجموعه ای به نام وداها (Vedas) به معنای دانش، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti) یعنی وحی و الهام و علوم مقدس موروثی لقب می دهند. پژوهشگران **تاریخ** تصنیف وداها را بین ۱۴۰۰ تا ۱۰۰۰ ق. م. می دانند، و بر این اساس سالهای ۱۵۰۰ - ۸۰۰ ق. م. را دوره ودایی می خوانند.

چهار **ودا** وجود دارد، به این شرح:

۱، ریگ ودا (veda-Rig) یعنی ودای ستایش؛

۲، **یجور ودا** (veda-Yajur) یعنی ودای قربانی؛

۳، **سام ودا** (veda-Sama) یعنی ودای سرودها؛

۴، **اتهر ودا** (veda-Atharva) یعنی ودای اتهروان (نام نویسنده این ودا).

در زمانهای بعد بر همنان شرح و تفسیرهایی بر وداها نوشتند؛ از این رو هر یک از وداها دارای دو بخش است:

نخست: **منترا** (Mantaras) که عبارت است از متن اورادی در ستایش آتش، خورشید و سایر مظاهر طبیعت و دعاهایی برای فراخی روزی، باروری، بخشایش گناهان و غیره.

دوم: **براهماناها** (Brahmanas) که مناسبتهای آن اوراد را تعیین می کند.

پژوهشگران سالهای ۸۰۰ ق. م. تا ۵۰۰ ق. م. را دوره برهمنی می نامند.

کتابهای دینی، فلسفی، عرفانی و ادبی بی شماری در میراث فرهنگی هندوستان وجود دارد که به زبانهای مختلف ترجمه شده و از جمله آنها معروف کليلة و دمنه است که در سانسکریت پنچانترا (tantra - Panca) یعنی پنج بخش خوانده می شود.

کتابهای مهابهاراتا (bharata - Maha) و رامایانا (Ramayana) با محتوای اساطیری رزمی و بزمی از احترام ویژه ای برخوردارند.

کتاب دینی و ادبی یاد شده به همه زبانهای زنده **جهان** (و از جمله فارسی) ترجمه شده اند. کتاب بسیار معروف و جذاب بهگودگیتا - (gita)

(Bhagavad) یعنی سرود (خدای) مجید در بخشی از مهابهاراتا است که مستقلاً مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب گاهی به تخفیف

گیتا نامیده می شود، در باب اخلاص (Bhakti) سخن می گوید و در اهمیت کتاب یاد شده همین بس که به طور مکرر به هر یک از

زبانهای زنده **جهان** ترجمه شده و دست کم شش ترجمه فارسی از آن موجود است.

این رساله مکالمات کریشنا با شاهزاده ای به نام آرجونا (Arjuna) یعنی روشن را در بر دارد. رساله یاد شده ظاهراً در قرن اول میلادی

در روزنامه بزرگ مهابهاراتا گنجانیده شده است و نزد هندوان از هر کتاب دینی و عقلی دیگر محبوبتر و محترمتتر به شمار می رود. نظم

آن کتاب یک دست نیست، ولی نیروی ذوق و شوقی که در طی کلمات آن نوشته اعجاب انگیز وجود دارد، هزاران تن را دلباخته و فریفته

خود ساخته است.

راز موفقیت گیتا در این است که می کوشد اثبات کند راه حقیقی نجات و رستگاری در طریقه اخلاص قرار دارد و برای بیان این امر از

داستانی کمک می گیرد. آرجونا سوار بر ارابه سلطنتی برای جنگیدن با عموزادگان خود به سوی میدان می رود و راننده ارابه که خدای

پهلوانی یعنی کریشنا است و در کنار او نشسته است، وی را به رزم و نبرد تشویق می کند. شاهزاده دل به جنگ با خویشاوندان خود نمی

دهد. در حالی که سرداران سپاه خصم یعنی عموزادگان او در شیپور جنگ می دمند، به راننده فرمان می دهد که ارابه او را در وسط

رزمگاه در محلی قرار دهد که بتواند کوشش و رزم آوری هر دو سپاه را به درستی مشاهده کند، ولی همین که خویشان و عموزادگان و

بزرگان قوم را در حال پیکار و خونریزی می بیند، دل او از پشیمانی و اندوه لبریز می گردد. وی درد و رنج خود را با کریشنا راننده

ارابه در میان می گذارد و از گرانی اندوه، تیر و کمان را از دست بر زمین می افکند. کریشنا او را بر این کم دلی سرزنش می کند و

دوباره وی را بر جنگ و نبرد برمی انگیزاند.

در این هنگام بین آن دو یک سلسله مکالمات رد و بدل می شود. در مرحله اول کریشنا او را به انجام وظایفی که در برابر صنف و طبقه

خود دارد متوجه می سازد و به او خاطر نشان می کند که انجام فرائض اجتماعی بر هر کاری مقدم است و نتایج و عواقب آن هر چه باشد،

باید آنها را به عمل آورد و نباید پاداش و سزایی توقع داشت. آرجونا وظیفه خود را به یاد می آورد که باید به عنوان یک شاهزاده از افراد

طبقه کشاتریا جنگجویی و رزم آوری پیشه کند. آنگاه وی پای به میدان نبرد می گذارد و اعتراف می کند که تهاون و سستی در انجام این

واجب صنفی و فریضه مذهبی گناهی بزرگ است. از سوی دیگر اگر به جنگ پردازد و کشته شود روان او رستگاری یافته، به آسمان

صعود خواهد کرد، و اگر پیروز گردد، بر تخت پادشاهی خواهد نشست. علاوه بر این میدان جنگ جای تأسف و غم خوردن برای

کشتگان و قربانیان نبرد نیست، زیرا اگر چه جسم آنان هلاک می شود، ولی روحشان جاویدان؛ باقی و برقرار است. در یکی از قطعات

گیتا سخنان زیر آمده که تعالیم اوپانیشادها را در مسأله وحدت الوهیت بیان می کند و از این نظر قابل توجه است. کریشنا می گوید:

من برهما هستم، همان خدای واحد ازلی...

قربانی منم، دعا و نماز منم.

طعام خیرات مردگان منم.

این جهان بی پایان منم.

پدر و مادر و نیاکان و نگاهبانان و منتهای معرفت همه منم.  
آنچه در زلالی آب و روشنایی آفتاب تصفیه می شود،  
آن کلمه (( ام )) منم.

و منم کتابهای ریگ ودا، سام ودا، یجور ودا،  
طریقت، شریعت، مربی، خداوندگار و قاضی، شاهد، صومعه و پناهگاه،  
دوست و دشمن، سرچشمه حیات و دریای زندگانی.  
هر آنچه بر می آید و هر آنچه فرو می رود،  
بذر و برزگر و فصول و درو همه منم.  
مرگ منم و زندگانی منم.  
ای ارجونا، حیات این جهان که می بینی،  
و حیات آن جهان که نمی بینی، همه منم و بس...

#### ۵. فرهنگ و تربیت ودایی

حدود قرن ۶ ق. م. در اوج اقتدار روحانیان هندو، که برهن (Brahmana) نامیده می شوند، نظام طبقاتی شدیدی پذیرفته شد که مدت ۲۵۰۰ سال سایه سهمگین خود را بر کشور پهناور هندوستان افکنده بود و هنوز هم بقایای آن وجود دارد. پژوهشگران طبقات اجتماعی را کاشت (Caste) می خوانند که واژه ای پرتغالی و به معنای نژاد است. در این نظام چهار کاشت اصلی وجود داشت:

۱. برهمن (Brahmanas)، طبقه روحانیون؛
۲. کشاتریاها (Kshatrias)، طبقه شاهان، شاهزادگان و جنگاوران؛
۳. ویشیایاها (Vaisyas)، طبقه بازرگان و دهقانان؛
۴. شودراها (Sudras)، طبقه کارگران.

معاشرت افراد یک طبقه با طبقه دیگر شرعا و عرفا ممنوع بود، به خصوص طبقه اخیر که هر گونه تماس، حتی نگاه کردن افراد طبقات بالا به این گروه، گناه کبیره شمرده می شد. فروتر از این چهار طبقه، گروهی از بومیان غیرآریایی هندوستان بودند که نجسها (Untouchables) نامیده می شدند.



**جنبه های بسیار منفی باور های هندی :** کاست نجس ها و دختری که برای کشته شدن آماده ساخته میشود.

افراد این طبقه به هیچ وجه حق نداشتند در محله های آن طبقات چهارگانه تردد کنند و هر گاه از باب ضرورت برای حمل زباله و کناسی به اماکن آنان می رفتند، موظف بودند با صدای بلند حضور خود را اعلام کنند که مبادا نگاه افراد طبقات بالا به این گروه بیفتد. در این صورت، بیننده باید با غسل خود را طاهر کند. داد و ستد نیز از راه دور، با گذاشتن پول در مکانی و تقاضای متاع با فریاد و اختفای کامل انجام می گرفت... گوش دادن به تلاوت کتابهای مقدس نیز بر آنان حرام بود و اگر فردی از ایشان در این مورد استراق سمع می کرد، برای مجازات، سرب مذاب در گوش او می ریختند.

عجیب تر اینکه افراد طبقه نجسها به این وضع خو گرفته، آن را حق می پنداشتند و باور داشتند که این تیره بختی زاییده بدکرداری آنان در زندگانی پیشین است که از طریق تناسخ آن را دریافت کرده اند. هر گونه اقدامی برای کم کردن فاصله طبقات چهارگانه (و حدود ۲۰۰۰ طبقه فرعی که به تدریج در ضمن آن چهار طبقه پدید آمده) و دفاع از نجسها، خلاف شرع و غیرمقبول بود.

البته این سنت اجتماعی در سال ۱۹۵۵ رسماً لغو شد و تنها جلوه هایی از آن باقی است.

رود خروشان و پر برکت گنگ (Ganga) به معنای تندرو که در بخش بزرگی از هندوستان جریان دارد، از تقدس بالایی برخوردار است و غسل کردن در آن، به خصوص در شهر بنارس (Benares)، عبادتی مهم شمرده می شود. نیلوفر (Padma) نیز بسیار مقدس است. قربانی و بویژه قربانی اسب (medha – Asva) که قبلاً به عنوان یک عمل عبادی میان آنان معمول بود، بعداً به منظور برآورده شدن حاجات انجام می گرفت. اهیسا (hinsa – A) به معنای پرهیز از آزار جانداران اصل مهمی است که در زمانهای بعد، تحت تعالیم

مهاویرا مورد توجه قرار گرفت و تاکنون به شدت رعایت می شود. این آموزه خوردن گوشت حیوانات را عملی غیر اخلاقی می داند و این مسأله اثر عجیبی بر شیوه زندگی هندوان باقی گذاشته است.

هندوان جسد مردگان خود را می سوزانند و خاکستر آن را بر روی گنگ بر باد می دهند. قبلا سنت مذهبی این بود، که هنگام سوزاندن جسد مرد متوفی، وی نیز به نشانه وفاداری میان توده های هیزم می خوابید و همراه شوهر می سوخت و برای تشویق زنان به این امر به وی لقب ستی (Sati) به معنای بانوی وفادار و بافضیلت عطا می شد. (این واژه سانسکریت در فارسی و عربی برای تجلیل از بانوان بسیار برجسته به کار می رود). اگر احوال زنی تاب و تحمل این فداکاری را در خود نمی یافت پس از مرگ شوهر موی سر خود را می تراشید و جلای وطن می کرد.

زنده سوزاندن زوجه را انگلیسیها پس از استعمار هندوستان در سال ۱۸۲۹ م. ممنوع کردند و از این منع کمتر تخلف شده است.

صائب تبریزی در اشاره به این سنت می گوید:

### چون زن هندو کسی در عاشقی مردانه نیست \* سوختن بر شمع خفته کار هر پروانه نیست

۶. فلسفه اوپانیشادها

در دوره برهمنی (سالهای ۸۰۰ ق. م. تا ۵۰۰ ق. م.) آیین قربانی به افراط گرایید و با توسعه آن مسائل عمیق دینی به فراموشی سپرده شد. قربانی اسب و چیزهای دیگر آسیب شدیدی به اقتصاد کشور وارد آورد و خزانه پادشاه را تهی کرد. از این رو، برهمنان چاره کار را در اصلاح دین دیدند و بدین منظور براهمنها را پدید آوردند که مشتمل بر دو بخش است:

الف) آرنیاکها (Aranyakas) یعنی جنگل نامه، مشتمل بر مسائل مورد نیاز اهل ریاضت؛

ب) اوپانیشادها (Upanishads) به معنای نزدیک نشستن، کنایه از آموختن اسرار دین.

اوپانیشادها شهرت زیادی پیدا کرد. این کتاب را برای نخستین بار شاهزاده دانشمند، هنرمند و عارف، داراشکوه عرفان اسلامی و هندویی، در ۱۰۶۷ ه. ق. به زبان فارسی ترجمه کرد و آن را سراکبر نامید. (نخستین آشنایی غریبان با اوپانیشاد از طریق همین ترجمه بود.) اوپانیشاد به نام ودانتا (Vedanta) به معنای پایان وداها نیز خوانده می شود. این کتاب بطون وداها را می شکافد و توجه مردم را از آداب و رسوم ظاهری به اسرار درونی و مفاهیم باطنی جلب می کند. کتاب یاد شده شهرت جهانی دارد، تا آنجا که برخی مطالب توحیدی آن در میزان نوشته علامه طباطبایی آمده است. (۱)

۷. خدایان سه گانه

آریاییان هندوستان مانند سایر مشرکان به خدای حقیقی جهان نیز معتقد بودند و او را برهما (Brahman) به معنای قائم بالذات و ازلی و ابدی می نامیدند. آنان در آغاز بت و بتخانه نداشتند و مراسم عبادی خویش را در فضای باز انجام می دادند و به خدایانی مذکر که معمولا نماد اجرام آسمانی بودند، عقیده داشتند. در دوره های بعد بتهایی بی شمار و بتخانه هایی باشکوه و گوناگون ساختند و خدایانی مانند الهه مادر، الهه زمین، مار کبرا و غیره را به مجموعه خدایان خود افزودند.

خدایان تثلیث هندو (Trimurti Hindu) عبارتند از:

۱. برهما (Brahman)، خدای ایجاد کننده (که قبلا اشاره شد)؛

۲. شیوا (Siva) خدای فانی کننده که **مجسمه** چهار دست و در حال رقص او فراوان است. رقص شیوا نقش او را در ایجاد و انهدام نشان می دهد؛

۳. ویشنو (Vishnu) خدای حفظ کننده. جلوه های دهگانه این خدا برای مردم در طول تاریخ عبارت است از: ماهی، لاک پشت، گراز، موجود نیمه آدم و نیمه شیر، کوتوله، رامانا (Rama) ی تبر به دست، رامانا، کریشنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کلکی (Kalki). (2)

آیین هندو فرقه های بی شماری دارد که با یکدیگر در صلح و صفا به سر می برند. پیروان هر یک از این فرقه ها بر جنبه خاصی از دین تاعکید می کنند و معمولا به یکی از خدایان روی می آورند. طرفداران هر یک از شیوا و ویشنو جمعیت بزرگی را تشکیل می دهند. شیواپرستان عورت شیوا را نیز می پرستند و آن را لینگا (Linga) می نامند. مجسمه های لینگا و معابد آن نیز فراوان است. از جمله ۱۲ بتخانه بزرگ و باشکوه که به افتخار لینگا و برای پرستش آن بنا کرده بودند، **معبد** سومنات (Somanatba) است.

ثروت هنگفت و خیال انگیز آن بتخانه که چهارده گنبد طلا داشت، سلطان محمود غزنوی را تحریک کرد تا به سال ۴۱۶ هجری قمری به سوی آن لشکر کشد و خزائن انباشته از زر و سیم و گوهرهای گرانبهائی آن را که طی قرنهای گذشته گرد آمده بود، تاراج کند. هندوان حمله های سابق وی به بتخانه های دیگر را به علت خشم گرفتن بت **معبد** سومنات به آن **معبد** توجیه می کردند.

سلطان محمود با سپاهی انبوه به عنوان بت شکنی به سومنات حمله کرد و پس از کشتن گروهی بی شمار از هندوان، گرزگران خود را بر فرق مجسمه لینگا کوبید. وی برای نشان دادن فتح نمایان خود قطعه ای از آن را به مکه معظمه و بغداد و بلاد اسلامی دیگر فرستاد. (۳) افرادی از شیواپرستان، به نام لینگاوات (vat - Linga) یعنی حاملان لینگا، که مسلکشان در قرن دوازدهم میلادی پایه گذاری شده است، پیوسته مجسمه ای از لینگا را که داخل کیف کوچکی است به گردن آویخته دارند.

چیزهایی شگفت آوری مانند قربانی انسان و نوشیدن شراب در کاسه سر مردگان به برخی از فرقه های شیوایی نسبت داده می شود. فرقه های شکتی (Sakti) به معنای نیرو، معتقدند قوه الهی در جنس لطیف قرار دارد. از اینجاست که در معابد شکتی زنانی جوان می رقصند. برخی از این فرقه ها رقصهای وحشیانه، آوازهای گوش خراش و حرکات جنون آمیز را برای تکامل روحی لازم می دانند.

## ۸. نظریه تناسخ و تصور کارما

بر اساس قانون کارما (Karman) به معنای کردار، آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره های بازگشت مجدد خود در این جهان می بیند. کسانی که کار نیک انجام داده اند، در مرحله بعد زندگی مرفه و خوشی دارند و آنان که کار بد می کنند، در بازگشت با بینوایی و بدبختی دست به گریبان خواهند بود و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند. به عقیده برخی تناسخیان، بازگشت انسانها ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد که تصادفاً به ترتیب الفبا از جمادات تا انسانها را شامل می شود:

۱. رسخ، یعنی حلول شخص متوفی در جمادات؛

۲. فسخ، یعنی حلول شخص متوفی در نباتات؛

۳. مسخ، یعنی حلول شخص متوفی در حیوانات؛

۴. نسخ، یعنی حلول شخص متوفی در انسانها (تناسخ).

سمسارا (Samsara) به معنای تناسخ در بسیاری از ادیان و مذاهب جهان (حتی نزد برخی فرقه های انحرافی جهان اسلام) با عناوین گوناگون وجود داشته و دارد، (۴) اما این عقیده در آیین هندو از اهمیت بیشتری برخوردار است. هندوان معتقدند آدمی همواره در گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر رنج گرفتار است. تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولد های مکرر در جهان پر درد و بلا پیوستن به نیروانا (Nirvana) است. این کلمه در لغت به خاموشی و آرامش و در اصطلاح به ((فنا فی الله)) دلالت می کند. نیروانا مورد توجه بوداییان واقع شده است.

## ۹. فلسفه وحدت وجود

حکیمان و دانشمندان هندو می گویند خدایان بی شمار آن دین همه مظاهر یک خدای واحد و بزرگند و تمام موجودات بخشهایی از کالبد عظیم الوهیت به شمار می روند. از دیدگاه آنان این جهان و همه اجزای آن در حقیقت خیالی بیش نیست. این خیال را مایا (Maya) یعنی فریب و وهم، می نامند. به عقیده آنان تمام این صورتهای وهمی سرانجام نابود می شوند و تنها برهما که ثابت و پایدار است، باقی می ماند. در قرون اخیر عرفان هندویی غربیان را مسحور کرده است، همان طور که عرفان اسلامی نیز در جلب کردن غربیان به اسلام سهم زیادی دارد. قوانین اخلاقی، تصوف و اندیشه های لطیف آیین هندو از روزگار کهن جذابیت داشته است و تأثیر تفکرات هندو بر اهل تصوف در مسیحیت و اسلام دیده می شود.

اصول ایمان هندوان چهار چیز است:

۱. الوهیت روح؛

۲. وحدت موجودات؛

۳. وحدت خدایان؛

۴. وحدت مذاهب و ادیان.

آیین هندو با خود محوری میانه ای ندارد و یک هندو می تواند علاوه بر آیین خود به هر یک از ادیان جهان بگردد. با این وصف، شدیدترین تعصبها را می توان میان هندوان یافت. کافی است به یاد بیاوریم که مهاتما گاندی به سبب اعتقاد به برابری هندوان و مسلمانان، مورد دشمنی گروهی از هندوان قرار گرفت و یکی از ایشان او را با گلوله کشت.

ملی گرایی هندویی در دوره های اخیر بسیار شدت یافته است و یکی از تازه ترین و خشن ترین مظاهر آن تخریب مسجد بامبری و کشته شدن تعداد بی شماری از مسلمانان و هندوان در این حادثه بود. مستمسک آنان در ارتکاب این عمل این بود که مکان مسجد بامبری زادگاه بت راما بوده است. آنان با این سخن ادعا می کنند که ویشنو (یکی از خدایان تثلیث هندو) در آنجا به شکل بت راما جلوه کرده و به همین دلیل، هندوان در آن مکان بتخانه ای ساخته بوده اند که به مسجد تبدیل شده است. آنان به همین بهانه بتهای خود را بر ویرانه های مسجد نصب کردند و آنها را پرستیدند. هندوان تصمیم دارند ساختمان بتخانه را در فرصت مناسب آغاز کنند.

## ۱۰. فلسفه یوگی یا روش جوکیان

به عقیده هندوان، دستیابی به حقیقت یا اتحاد با خدای توانا از طریق یوگا (Yoga) یعنی یوغ نهادن حاصل می شود. یوگا به ریاضتهای سخت و طاقت فرسا دلالت می کند و معمولاً با نشستن آرام و پیوسته به شکل چهار زانو و همراه با تامل انجام می گیرد، اما شیوه هایی دیگر نیز معمول است، مانند ایستادن، وارونه ایستادن، خم شدن و آویختن دستها و زیستن بر روی تختی که در سراسر آن میخهای تیزی سر بر آورده است.

این عملیات چه بسا برای ده ها سال ادامه یابد و با مشقت هایی دیگر مانند در پیش رو نهادن آب و تشنه به سر بردن همراه باشد. (۵) با آنکه هدف از ریاضت وصول به حقیقت است، گاهی کشف و کراماتی را پدید می آورد. یوگی (Yogin) معمولاً آن امور را مانع کمال خود می داند و بسیار می شود که به آن خوارق عادت ابدی توجهی نکند و از اظهار آن روی بگرداند.

حبس دم به گونه ای است که بر اثر تمرینهای سخت تنفس کاهش می یابد و یوگی در طول سال به چند نفس بسنده می کند. همچنین ضربان نبض و سایر کارهای بدن را می توان با یوگا در اختیار گرفت. در همه این حالات بدن شیوه های نوی را بر می گزیند و زنده می ماند. چه بسا یک یوگی را به مدت شش ماه دفن کنند و پس از این مدت قبر او را بشکافند و او را بیرون آورند و وی با یک بار تنفس زندگی را از سر گیرد.

تواناییهای دیگری نیز برای برخی از آنان میسر می گردد، مانند رهایی از جاذبه زمین، متوقف کردن قطار، به جوش آوردن آب با یک نگاه و غیره. (۶)

دانشمندان مغرب زمین به تکرار، آزمایشهای علمی گوناگونی روی یوگیان انجام داده و واقعی بودن این حالات را به اثبات رسانده اند. از جمله یک هیئت علمی فرانسوی به رهبری دکتر بروس (Brosse) در ۱۹۳۶ تحقیقات و آزمایشهایی در باب یوگیان انجام داد و دستاوردهای خود را منتشر کرد. (۷)

پی نوشتها:

- ۱- المیزان، ج ۱۰، صص ۳۰۱ - ۳۰۲
- ۲ - کلکی موعود آخر الزمان است که برای اصلاح جهان، شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید، ظاهر خواهد شد.
- ۳ - معبد سومنات بارها ویران شده و شالوده بنای کنونی آن در سال ۱۹۵۱ نهاده شده است.
- ۴ - شاعری از روی طنز، چارپایی را مخاطب قرار داده و این رباعی را گفته است:  
ای رفته و باز آمده ((بل هم)) گشته  
نامت زمین مردمان گم گشته  
ناخن همه جمع آمده و سم گشته  
ریش ز عقب در آمده دم گشته
- ۵ - آداب و شرایط یوگا در کتاب پاتانجالی آمده است و دانشمند بزرگ مسلمانان ابوریحان بیرونی آن را به عربی ترجمه کرده است.
- ۶ - لازم است تأکید شود که در امثال این امور، شایعات بی اساس و داستان های بی پایه به مراتب بیشتر از واقع است.
- ۷ - مجله Medicale Presse، ش ۸۳، ۱۴ اکتبر ۱۹۳۶

**بر گرفته از آشنایی با آئین هندوئیسم از کتاب آشنایی با ادیان بزرگ نوشته استاد توفیقی**



با این دو صحنه مراسم جشنی - عبادی برای دور گامادر؛ مبحث کنونی را به پایان می بریم. صرف قابل تذکار است که سفر در هند به خودی خود مؤجد این استنتاج ها و برداشت های متفاوت و متجدد نیست. بنده طی دهه های اخیر خویشتن را وقف آن کردم تا داده های ابر لابر اتوار جهانی - تاریخی ایرا که در سرزمین بلاخیز ما افغانستان بر پاست و در تمام قامت بلیه ای به نام پاکستان هم گسترده میباشد؛ یعنی ابر لابر اتوار «افپاک» را انالیز کنم و از آنها نتایج معرفتی استخراج نمایم.

اینک با اعجاب و شگفتی بی اندازه برای خودم در می یابم که استنتاجات از داده های آن لابر اتوار عظیم؛ اهمیت و عظمت قیاس ناپذیر دارد. با هر کشف و پیشرفت ساینترفیک در گستره علوم و با هر دریافت تازه از حقایق باور ها و اساطیر کهن و با هر بروز گردیدن اسرار نهفته تاریخ و فرهنگ بشری؛ فقط همان استنتاجات است که تأکید و تسجیل میگردد. با اینکه دست بندی ها و دست کوتاهی ها و ملاحظیات و مشکلات باعث شده است که هنوز این یافته ها و استنتاجات به طور کامل انتشار نیابد؛ معهذا - مشت نمونه خروار - آنچه هموطنان و علاقمندان همینک میتوانند بر آنها دسترس یابند؛ همه مؤید قانع کننده همین حقیقت است.

کتاب «گوهر اصیل آدمی»، کتاب «جنگ صلیبی یا جهاد فی سبیل الله!» و کتاب نیمه تمام «معنای قرآن» که در سایت های آریایی و نوید روز موجود اند؛ حتی جزء به جزء بیانگر همین مطالب و مراتب اند یعنی اینکه دریا های خون و اشک قربانیان لابر اتوار دوزخی «افپاک» کشتزار اندیشه ای تازه را هم به رویش و رسش وا داشته است!!!

1 - <http://hindoostan.persianblog.ir/post/32>

2 -

<http://tarikhema.ir/religions/2327/%D8%A2%D8%B4%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C->



%D8%A8%D8%A7-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-  
/D9%87%D9%86%D8%AF%D9%88